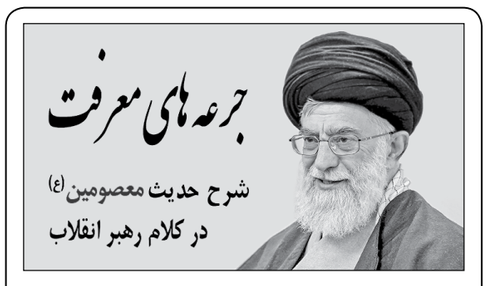

از عجایب صدقه

عن علی بن ابی‌طالب(ع) قیل لرسول‌الله(ص) یا رسول‌الله ای الصدقه افضل؟ فقال: جهد من مقل یسیر الی فقیر.

قال: قال رسول‌الله(ص): ما نقص مال من صدقه فامضوا و لا تجنبوا. [1]

[قال: قال رسول‌الله]: الصدقه فی السیر تطفی غضب الرب تعالی.

«امیرالمومنین(ع) می‌فرمایند: از پیامبر(ص) سوال شد که ای پیامبر خدا! کدام صدقه بهتر است؟ پیامبر فرمود: تلاشی که آدم فقیر و تنگدستی انجام دهد تا مالی را به فقیری رد کند.»

«امیرالمومنین(ع) از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنند که حضرت فرمود: صدقه، مال را کم نمی‌کند؛ پس صدقه بدهید و پرهیز نکنید.»

«امیرالمومنین(ع) از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنند که حضرت فرمود: صدقه پنهانی، خشم و غضب خداوند متعال را فرو می‌نشاند.»

قیل لرسول‌الله(ص): یا رسول‌الله! ای الصدقه افضل؟ فقال(ص): جهد من مقل یسیرالی فقیر

[امیرالمومنین از قول پیامبر می‌فرماید:] تلاشی که یک آدم تنگدست بکند- «مقل» یعنی آدم تنگدست که دارایی کمی دارد- و پولی به قدر وسع و امکان خودش بپردازد که به یک فقیری هم برسد [برترین صدقه است]. بعضی از این کارهایی که پولدارها و اعیان و اشراف انجام می‌دهند، خرج‌های زیادی می‌کنند- مهمانی‌هایی کذایی و مانند اینها- به فقرا هم نمی‌رسد و صدقه محسوب نمی‌شود؛ اگر هم صدقه باشد، جزو افضل الصدقات نیست. آدم تنگدستی که خودش ناتوان است، یک کمکی بکند، آن هم به یک فقیری برسد، به سمت یک فقیری حرکت کند[برترین صدقه است]. حالا این را مثلا این جور هم می‌شود خواند که «جهد من مقل یسیر، الی فقیر»، یا همان شکل اول. این یک روایت.

[حدیث دیگر] ما نقص مال من صدقه

روایت بعدی باز از حضرت امیر است که ایشان از پیغمبر نقل می‌کنند که می‌فرمایند: صدقه مال را کم نمی‌کند. آن کسانی که می‌ترسند که اگر صدقه بدهند، اموالشان کم بشود، بدانند، صدقه اموال انسان را کاهش نمی‌دهد. این هم یک حکمتی است و یکی از آن حقایق عجیب عالم است.

فامضوا و لا تجنبوا

بروید و پرهیز نکنید؛ یعنی صدقه را بدهید. البته معلوم است که مراد از صدقه آن [است] که در قرآن هست: و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا؛ [2] این جور نباشد که انسان هر چه دارد و ندارد، بریزد بیرون به عنوان اینکه به فقرا می‌خواهد بدهد؛ نه، صدقه یعنی بخشی از مالش را، سهمی از مالش را، یک چیزی از مالش را بدهد: و فی اموالهم حق معلوم* للسائل و المحروم؛[3] صدقه این است، و الا این جور نباشد که آقایان بروید یک دفعه هرچه دارید و ندارید خرج کنید، بگویید تمام نمی‌شود؛ نه. این هم [یک روایت].

[حدیث دیگر] الصدقه فی‌السر تطفی غضب الرب تعالی

و یک روایت دیگر هم در باب صدقه، روایت معروفی است که باز [امیرالمومنین از پیامبر نقل می‌کنند]؛ این هم نشان‌دهنده این است که صدقه را هرچه انسان پنهانی‌تر بدهد بهتر است. البته در قرآن این جور دارد که: الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه؛[4]

انفاق، در سر(نهان) و علانیه(آشکار) و همه جورش خوب است، منتها اگر انسان پنهانی انجام بدهد، فضیلت بیشتری دارد به خاطر این روایت که می‌فرماید «تطفی غضب الرب تعالی».

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۸۳/۹/۲

۱- نوادر راوندی، ص ۸۴ به نقل از کتاب: نسیم سحر.

۲- سوره اسراء، آیه ۲۹؛ «و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار[هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت‌زده برجای نمانی.»

۳- سوره معارج، بخشی از آیه ۲۴ و آیه ۲۵؛ «... و در اموالشان حقی معلوم است، برای سائل و محروم.»

۴- سوره بقره، بخشی از آیه ۲۷۴؛ «کسانی که اموال خود را شب و روز، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند...».

با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

روضه‌های هر ساله برای سالار شهیدان

رهبر معظم انقلاب هر سال، چند شب روضه امام حسین (ع) دارند. معظم‌له در سال ۱۳۶۷ به جبهه‌های جنوب تشریف بردند. چون زمان تشریف‌فرمایی ایشان به جبهه، مصادف با محرم بود، مراسم عزاداری و روضه ایشان در یگان‌های رزمی جنوب برگزار شد. هر شب، در یکی از تیپ‌ها یا لشکرها، مراسم عزاداری سالار شهیدان را برپا و در آن مراسم شرکت می‌کردند. شبی به اتفاق معظم‌له، با یک مینی‌بوس- به دور از هرگونه تشریفات و اسکورت- به سوسنگرد رفتیم و مراسم روضه‌خوانی در تیپ ۸۵ موسی‌بن جعفر (ع) برگزار شد.

(سردار صادق آهنگران- کتاب پرتوی از خورشید ص ۱۶۵چ۸)

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خرید و فروش در تاسوعا و عاشورا

س) خرید و فروش در روزهای تاسوعا و عاشورا چه حکمی دارد؟

ج) فی نفسه حرام نیست، لکن شایسته است شخص به عزاداری اشتغال داشته باشد و خود را از ثواب بزرگ محروم نسازد.

انجام اعمال وهن‌آلود در عاشورا

س) در روز عاشورا مراسمی مانند زنجیرهایی که دارای تیغ و پابرهنه وارد آتش و ذغال روشن شدن برگزار می‌شود که علاوه‌بر اینکه باعث بدنام شدن مذهب شیعه اثنی عشری در انظار علما و پیروان مذاهب اسلامی و مردم جهان می‌شود، ضررهای جسمی و روحی هم به این‌اشخاص وارد می‌کند و همچنین موجب توهین به مذهب می‌شود، نظر شریف حضرتعالی در این باره چیست؟

ج) هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب شود حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند و مخفی نیست که بیشتر این امور باعث بدنامی و وهن مذهب اهل بیت(علیهم‌السلام) می‌شود و این از بزرگترین ضررها و خسارت‌هاست.

قمه زنی مخفیانه

س) آیا قمه زدن به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف حضرتعالی عمومیت دارد؟

ج. قمه زنی علاوه‌بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه(ع) و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم(ع) در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود بنا بر این در هیچ حالتی جایز نیست.

نقل وقایع و مقاتل غیر مستند

س) در بعضی از هیئت‌های مذهبی مصیبت‌هایی خوانده می‌شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند که اهل‌بیت(علیهم‌السلام) این‌گونه به ما فهمانده‌اند و یا ما را راهنمایی کرده‌اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط گفته‌های علما نمی‌باشد بلکه گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

ج) نقل مطالب به صورت مزبور بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلّم بوده و علم به خلاف بودن آن، نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.

مشروعیت عزاداری سیدالشهداء(ع)

براتعلی چگینی

گریه و عزاداری امری است عمومی و انسانی که در میان سایر اقوام و ملل در جهان وجود داشته و دارد. حوادث ناگوار اجتماعی بر روح و روان انسان تأثیر شگرفی دارند، به‌طوری که در صورت بروز حوادث و پیش آمدهای ناگوار، انسان اگر عزیزی را از دست بدهد هاله‌ای از غم و اندوه، وجود او را فراگرفته و سخت متأثر می‌سازد.

در این هنگام واکنشی را که یک انسان در مقابل این گونه حوادث تلخ و ناگوار انجام می‌دهد، سوگواری و عزاداری است، که شرع مقدس اسلام نیز ضمن تائید اصل گریه و عزاداری، بر برگزاری صحیح آن با پرهیز از خرافات اشاره دارد.

اگرچه در این میان وهابیون و معاندین تلاش زیادی کردند تا گریه و عزاداری بر اهل بیت(ع)، شهدا و اموات را اختراع شیعه بدانند، اما با نگاهی گذرا به منابع شیعه و اهل سنت می‌بینیم که عزاداری کردن در زمان و سیره پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) و سایر مسلمانان وجود داشته است که همگی گویای این مطلبند. در نوشتار حاضر مشروعیت عزاداری و گریه کردن برای حضرت سیدالشهداء(ع) بر اساس آیات قرآن و سیره پیامبر اکرم(ص)، اهل بیت(ع) و اصحاب، و همچنین گریه پیامبران الهی و هستی برای آن حضرت مورد بررسی قرار می گیرد.

عزاداری در قرآن کریم

اگر ما برای یک عمل و رفتاری دلیل عقلی نداشته باشیم تا آن عمل را اثبات یا نفی کنیم، این بدان معنی نیست که آن عمل و رفتار، برخلاف شرع مقدس است. همان‌طوری که از نظر شرعی اگر ما دلیلی بر انجام کاری نداشته باشیم این نبود دلیل موجب غیرمشروع بودن آن کار نمی‌شود. حال سؤال این است که آیا قرآن کریم که مهمترین منبع شناخت احکام و دستورات دین است، در آن سخنی از عزاداری گفته شده است؟ و یا آن را تأیید و یا نفی می‌کند؟

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارند که به وسیله آنها می‌توان مشروعیت عزاداری را از آن برداشت کرد، که به دو مورد از آن آیات اشاره می‌شود.

۱- عزاداری و بزرگداشت شعائر الهی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب؛ هر کسی شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد، (خوشا بر او که) این کار نشانه تقوی دلهاست.[1]

با آنکه می‌دانیم تعظیم شعائر دین خدا از دستورات دین اسلام است ولی آنچه مورد بحث واقع شده این است که، الف: منظور از شعائر چیست؟ ب: آیا شعائر عمومیت دارد یا خیر؟ شعائر در لغت به معنای «علامت» است، شعایر - شعائر- از شعار یعنی علامت و همچنین به معنای «ندا» هم آمده است. نیز شعایر از شعیره به معنای علامت و اعلام حج و اعمال آن نیز آمده است.[2] اما در اینکه منظور از شعائر چیست؟ اقوال مختلفی هست. برخی گفته‌اند: شعایر، قربانی حج است که علامت‌گذاری شده باشد. برخی عقیده دارند که شعایر، شامل تمام مناسب و اعمال حج است. برخی دیگر اعتقاد دارند شعایر به معنای نشانه‌های دین و اطاعت خداوند بزرگ است.[3] و در مورد عمومیت و شمول شعائر هم برخی از علمای شیعه و سنی به آن اشاره کرده‌اند:

الف): صاحب جان هندی حنفی از علمای اهل سنت در ذیل آیه مذکور می‌نویسد: «شعائر جمع شعیر به معنای علامت است، و هرچه که از دیدن آن خدا به یاد آید، شعائر خداست و شعائرالله اختصاص به صفا و مروه ندارد...»[4]

ب): ملا احمد نراقی از علمای شیعه می‌نویسد: «برخی از فقهاء و مفسران عقیده دارند که آیه دلالت بر عموم و شمول دارد چنانچه این نظریه پذیرفته شود، تعظیم همه شعائر اگر واجب نباشد، استحباب و رجحان دارد، زیرا شعائر، منسوب به خداوند بزرگ است.»[5]

علامه طباطبائی نیز شعائر را به معنای نشانه‌های عظمت و تقوای الهی دانسته و آن را منحصر به موارد خاصی نمی‌داند و می‌فرماید: «شعائر عبارت است از نشانه‌هائی که انسان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند و منحصر به صفا و مروه و مانند آن نمی‌شود. بنابراین، هر نشانه‌ای که انسان را به یاد خدا بیندازد، تعظیم آن موجب تقوای الهی می‌شود و تمام نشانه‌ها را در برمی‌گیرد.»[6]

از آنجا که وجود مبارک امام حسین(ع) تمام هستی خود را یکجا با خدا معامله کرد و خالصانه از همه‌چیز، حتی اهل بیت(ع) و فرزندان خود در راه خدا گذشت، لذا گریه و عزاداری و برپائی این گونه مجالس برای آن حضرت تعظیم یکی از بزرگ‌ترین شعائر دین خدا محسوب می‌شود.

امروزه عزاداری در میان مسلمانان به خصوص شیعیان به اشکال مختلفی برگزار می‌شود، که یک قسم آن، گریه کردن و گریاندن است و همچنین قرآن کریم نیز پیرامون گروهی از قوم حضرت موسی که راه فساد و نابودی را در پیش گرفتند و در پایان هم در اثر نفرین آن حضرت به هلاکت رسیدند، آنها را شایسته تجلیل و گریه ندانسته و می‌فرماید: «فما بکت علیهم السماء و الارض و ما کانوا منظرین؛ و بر مرگ آن گذشتگان، (اهل) آسمان و زمین گریه کردند و بر هلاکشان مهلت ندادند.»[7]

از آیه مذکور استفاده می‌شود، که انسان اگر شایستگی و لیاقت گریه دیگران را نداشته باشد این نوع حقارت و بی‌ارزشی برای او محسوب می‌شود. این حقیقت را هم باید پذیرفت که در این جهان هستی بسیاری از اسرار و حقایق هستند که انسان‌ها از آن بی‌خبرند. متأسفانه بسیاری از مردم نیز به ظاهر پدیده‌ها توجه می‌کنند و هیچ‌گاه فکر نمی‌کنند که در ورای این امور ظاهری همه اموراتی مهمتر و بزرگتر پنهان و نهفته هستند گریه را هم می‌توان از این امورات دانست.

۲- سوگواری یعقوب در فراق یوسف

جدایی طولانی میان یعقوب(ع) و یوسف(ع) باعث حزن و ناراحتی زیاد پدر شد، تا جایی که در اثر اشک ریختن در این سالیان طولانی، دیدگان یعقوب(ع) سفید شد و بینایی خود را هم از دست داد. در این هنگام بود که برادران یوسف از گریه زیاد و اندوه پدر به ستوه آمده و گفتند: «به خدا سوگند- تو ای پدر- آنقدر دائم یاد یوسف یوسف می‌کنی که از غصه فراق مریض شوی و یاد خود را مشرف به هلاک کنی.»[8]

زمخشری روایت کرده است که حضرت یوسف از جبرئیل مدت اندوه و گریه پدر را جویا شد، پاسخ داد: هفتاد سال بطول انجامید و درباره پاداش گریه او سؤال کرد، پاسخ داد: گریه او پاداش برابر هفتاد شهید را دارد.[9]

بنابراین می‌توان گفت گریه و اندوه اگرچه سالیان طولانی هم باشد مانعی ندارد. همانطور که وجود مبارک امام سجاد(ع) در پاسخ به کسانی که به گریه آن حضرت اعتراض می‌کردند فرمودند: مرا ملامت نکنید، یعقوب پس از آنکه یک فرزند خود را از دست داد، آنقدر گریست تا از غصه چشمهایش سفید شد، در حالی که یقین به مرگ فرزندش نداشت. در حالی که من به چشم خود دیدم که در نیم روز، چهارده نفر از اهل بیت مرا سر بریدند. انتظار دارید داغ آنها از دلم بیرون برود.»[10]

سیره پیامبر اکرم(ص)

دومین منبع شناخت دستورات دین اسلام، سنت پیامبر گرامی(ص) و اهل بیت(ع) است که شامل گفتار، کردار و تقریرات آن بزرگواران می‌شود. قرآن کریم هم می‌فرماید: «بدرستی که در اقتدا به رسول خدا سرمشق و الگوی نیکویی است.»[11] اعتقاد همه مسلمانان با توجه به آیات قرآن بر این است که سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) در همه ابعادش، الگو برای ماست و بر پایی مجالس عزا و سوگواری بمناسبت‌های مختلف نیز توسط ایشان بهترین دلیل بر مشروعیت آن است. بنابراین، سیره پیامبر اکرم(ص) چنین امری را شایسته و تأیید کرده و بر گریه و عزاداری خصوصاً حضرت سیدالشهداء توصیه دارند. در سیره آن حضرت مواردی می‌توان یافت که ایشان از وقوع حوادث و اتفاقاتی و یا نسبت به حوادث غمگین آینده ابراز ناراحتی کرده‌اند و مورخان گونه‌های مختلفی را از گریستن آن حضرت در فقدان خویشان و یاران عزیزش روایت کرده‌اند. آن حضرت علاوه بر گریه خویش، سفارش به برگزاری این گونه مجالس را هم کرده‌اند که به چند مورد ذیل اشاره می‌شود:

گریه بر عبدالمطلب؛ پس از آنکه جد بزرگوار پیامبر(ص) از دنیا رفت ایشان بر جد عزیزشان گریستند، امایمن می‌گوید: من پیامبر را دیدم که در پس جنازه عبدالمطلب راه می‌رفت در حالی که می‌گریست.[12]

گریه بر آمنه؛ روزی پیامبر(ص) قبر مادر عزیز خود آمنه را در ابواء زیارت کرد. به گفته مورخان، آن حضرت در کنار قبر مادر گریست و همراه خود را نیز به گریستن انداخت.[13]

گریه در مرگ ابراهیم؛ جابربن عبدالله انصاری می‌گوید: در حالی که ابراهیم فرزند پیامبر به شدت به خود می‌پیچید و در حال جان دادن بود، پیامبر(ص) همراه عبدالرحمان بن عوف وارد شدند. آن حضرت ابراهیم را در آغوش گرفت و در دامن خود گذاشت. ایشان به شدت متأثر بودند و گریه می‌کردند. عبدالرحمان عرض کرد شما از گریه نهی فرموده‌اید، چرا خود گریه می‌کنید؟ فرمودند: «من از گریه جلوگیری نکردم؛ بلکه از دو گونه فریاد منع کردم که معمولاً افراد احمق و فاجر از خود سر می‌دهند؛ یکی از فریاد و صدا در هنگام مصیبت همراه با خراشیدن صورت و پاره کردن گریبان و دیگری از صدایی که در مجالس جشن و سرور مانند صدای شیطان بلند می‌شود.[14]

همچنین پس از کشته شدن جعفر پسر ابی‌طالب در نبرد موته، پیامبر(ص) به خانه او رفت و با حضور خویش تسلی دل خاندان او شد. آن حضرت به هنگام خروج چنین فرمودند: سزاوار است بر مثل جعفر گریستن، پس گریه کنندگان بر همچون جعفر بگریند.»[15]

گریه بریاران؛ از دست رفتن برخی از یاران همراه رسول خدا(ص) باعث آزردگی و جاری شدن اشک از چشمان مبارک ایشان می‌شد.

رسول خدا(ص) در حالی که بر مرگ عثمان بن مظعون می‌گریست، بر پیکر بی‌جان او بوسه زد.[16]

سیره اهل بیت(ع)

حضرات ائمه معصومین(ع) به مناسبت‌های مختلف سخنانی را در فضیلت گریه و عزاداری برای وجود مبارک امام حسین(ع) مطرح کرده‌اند که این احادیث به صورت متواتر از ناحیه آن بزرگواران روایت شده است. حتی در روایات شیعه عزاداری و برگزاری مجالس عزا، امری پرفضیلت و مستحب دانسته شده است.

امام صادق(ع) فرمودند: کسی که یک بیت شعر درباره امام حسین(ع) بسراید و گریه کند و ده تن یا نه تن را بگریاند جایگاه آنان بهشت است.»[17]

امام رضا(ع) به پسر شبیب که از یاران آن حضرت است، می‌فرماید: «ای فرزند شبیب! محرم؛ ماهی است که در دوران جاهلیت؛ مردم ظلم و قتل را در آن حرام می‌دانستند اما گروهی از مسلمانان حرمت این ماه را و حرمت پیامبر(ص) را نشناختند، فرزند او را به قتل رسانده، زنان همراه او را به اسارت بردند. آنگاه فرمودند: اگر خواستی بر کسی گریه کنی، برای حسین بن علی(ع) گریه کن چرا که او را مانند گوسفند ذبح کردند. سپس ادامه داد: ۱۸ تن از اهل بیت او را نیز که در روی زمین شبیه آنان نبود، همراهش به شهادت رساندند؛ این مصیبت چنان بزرگ است که آسمان ها و زمین در شهادتش گریستند.

روز عاشورا، چشم‌های ما را زخمی کرد، دل‌های ما را سوخت، اشک چشمان ما را روان ساخت و عزیزان ما را خوار کرد و سرزمین کربلا تا روز قیامت برای ما سختی و بلا به جای گذاشت؛ پس بایستی گریه کنندگان بر مثل حسین گریه کنند و بدانید که گریستن بر حسین گناهان بزرگ را می‌ریزد و انسان را پاک می‌کند.[18]

اگرچه متأسفانه گروهی از علمای سایر فرق، سوگواری و گریه بر درگذشتگان را تحریم کرده‌اند، اما واقعیت امر این است که این مخالفت با ترغیب پیامبر(ص) بر گریه کردن و سیره آن حضرت و اصحابش در تعارض است.

همچنین روایاتی که در تحریم سوگواری، به آنها استناد کرده‌اند از جهت سند دچار اشکال است که پرداختن به آن در این اختصار نمی‌گنجد. خلاصه اینکه، تحریم و ممنوعیت عزاداری را افسانه‌ای بیش نمی‌توان دانست.

ائمه اطهار(ع) هم برای احیای نهضت عاشورا تدابیر مختلفی بکار می‌بردند که یکی از آنها گریه بر امام حسین(ع) بود که تأثیر فراوانی بر مردم داشت. «امام سجاد(ع) در طول دوران امامت خویش پیوسته سوگوار عاشورا بود و در این مصیبت آن قدر گریست که به عنوان «بکائین عالم؛ بسیار گریه کنندگان» لقب داده شد.»[19]

امام خمینی(ره) درباره تجدید و تکرار عزاداریها می‌فرمایند: «... اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهداء چه بوده و نمی‌دانند این منبرها، گریه‌ها و سینه‌زنیها حدود ۱۴۰۰ سال است که ما و مکتب را حفظ کرده و تا حالا اسلام را آورده، این عده از جوانها این طور نیست که سوء نیت داشته باشند؛ -آنها- خیال می‌کنند که ما باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهداء حرف روز و همیشه حرف روز است، اصلاً حرف روز را سیدالشهداء آورده است و دست ما داده است و سیدالشهداء این گریه‌ها و مکتب وی را این مصیبت‌ها و داد و قالها و این سینه‌زنی‌ها و این دستجات حفظ کرده است. اگر فقط مقدسی بوده و توی اتاق و توی خانه می‌نشست و برای خودش هی زیارت عاشورا می‌خواند و تسبیح می‌گرداند چیزی نمانده بود... همین‌هاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهداء نبود این نهضت را کسی پیش نمی‌برد.[20]

گریه هستی بر امام حسین(ع)

وجود مبارک حضرت سید الشهداء نه فقط انسانها بر آن امام گرامی گریستند، بلکه هستی نیز برای او گریه کرد، که به چند نمونه از روایات وارده- از اهل سنت- در این مورد اشاره می‌کنیم:

الف) سیوطی نقل می‌کند که: چون حسین بن علی کشته شد، تا هفت روز نور خورشید بر دیوار زرد رنگ بود و بعضی از کواکب با بعضی دیگر برخورد کردند و روز عاشورا که آن حضرت شهید شد خورشید گرفت و آفاق آسمان تا شش ماه سرخ گونه بود.[21]

ب) ابن حجر از ترمذی نقل کرده است: ام سلمه پیامبر را در خواب دید در حالی که بر چهره و سرش غبار و گرد نشسته بود و می‌گریست. علت آن را پرسید، پیامبر فرمودند: هم اکنون حسین را کشتند.[22]

ج) مسعودی می‌نویسد: روایت شده است که آسمان، چهارده روز بر امام‌حسین(ع) گریست، سؤال شد علامت گریه آسمان چه بوده است؟ در پاسخ گفتند: خورشید در میان سرخی، طلوع و غروب می‌کرد.[23]

د) ابوقبیل می‌گوید: چون حسین(ع) کشته شد خورشید، آنچنان گرفت که ستارگان نیمه روز ظاهر شدند تا اینکه ما گمان کردیم قیامت بر پا شده است.[24]

همین‌طور برخی از پیامبران الهی هزاران سال قبل از تولد امام حسین(ع)، وقتی از ماجرای کربلا با خبر می‌شدند بر مظلومیت آن حضرت اشک می‌ریختند. در روایتی آمده است: هنگامی که جبرئیل کلماتی را به حضرت آدم(ع) برای توبه تعلیم می‌داد و او خدا را به پنج تن مقدس می‌خواند، وقتی که به نام امام حسین(ع) رسید قلبش شکست و اشکش جاری شد، به جبرئیل گفت: نمی‌دانم چرا وقتی که نام پنجمی (حسین(ع)) را می‌برم قلبم می‌شکند و اشکم جاری می‌شود؟

جبرئیل گفت: «بر او مصیبتی خواهد گذشت که همه مصائب در برابر آن کوچک خواهد بود. او تشنه کام، غریبانه، تنها و بدون یار و یاور به شهادت خواهد رسید.»

جبرئیل برخی دیگر از مصائب آن حضرت و خاندانش را برای آدم(ع) بیان کرد تا آنجا که هر دو همچون مادر فرزند مرده‌ای بر حسین(ع) گریستند.[25]

هنگامی که خداوند برای موسی(ع) از مظلومیت امام حسین(ع) سخن گفت و ماجرای شهادت مظلومانه آن حضرت و اسارت بانوان حرمش و گرداندن سرهای شهدا در شهرها را بازگو کرد، موسی(ع) نیز گریست.[26]

زکریای پیامبر(ع) هم وقتی که نامهای پنج تن مقدس را از جبرئیل آموخت، هنگامی که نام حسین(ع) را بر زبان جاری می‌ساخت، بغض گلویش را می‌گرفت و اشک‌اش جاری می‌شد. به خداوند عرضه داشت: خدایا! چرا وقتی نام آن چهار تن (محمد، علی، فاطمه و حسین(ع)) را می‌برم غم و اندوهم زائل می‌شود. ولی هنگامی که نام حسین(ع) را بر زبان می‌آورم، اشکم جاری می‌شود و اندوه و غم مرا فرا می‌گیرد؟ خداوند بخشی از مصائب حسین(ع) را برای ذکریا شرح داد و زکریا پس از شنیدن آن، به مدت سه روز از مسجد بیرون نیامد و مردم را نیز اجازه نداد به محضرش برسند و در تمام این مدت بر مصیبت امام حسین(ع) گریه می‌کرد و بر او مرثیه می‌سرود.[27]

در روایتی نقل شده است که امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «حضرت عیسی بن مریم(ع) همراه با حواریون از کربلا می‌گذشتند که آن حضرت شروع به گریستن کرد و حواریون نیز با او گریستند، وقتی که حواریون سبب گریه را پرسیدند: حضرت عیسی(ع) فرمودند: در این مکان فرزند پیامبر اسلام(ص) و فاطمه زهرا(س) کشته خواهد شد.»[28]

از آنجا که وجود مبارک امام حسین(ع) تمام هستی خود را یکجا با خدا معامله کرد و خالصانه از همه‌چیز، حتی اهل بیت(ع) و فرزندان خود در راه خدا گذشت، لذا گریه و عزاداری و برپائی مجالس برای آن حضرت تعظیم یکی از بزرگ‌ترین شعائر دین خدا محسوب می‌شود.

وجود مبارک امام سجاد(ع) در پاسخ به کسانی که به گریه آن حضرت اعتراض می‌کردند فرمودند: مرا ملامت نکنید، یعقوب پس از آنکه یک فرزند خود را از دست داد، آن‌قدر گریست تا از غصه چشمهایش سفید شد، در حالی که یقین به مرگ فرزندش نداشت، در حالی که من به چشم خود دیدم که در نیم روز چهارده نفر از اهل بیت مرا سر بریدند. انتظار دارید داغ آنها از دلم بیرون برود؟»

امام رضا(ع) به پسر شبیب که از یاران آن حضرت است، می‌فرماید: اگر خواستی بر کسی گریه کنی، برای حسین بن علی(ع) گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند ذبح کردند و ۱۸ تن از اهل بیت او را نیز که در روی زمین شبیه آنان نبود، همراهش به شهادت رساندند؛ این مصیبت چنان بزرگ است که آسمان ها و زمین در شهادتش گریستند.روز عاشورا، چشم‌های ما را زخمی کرد، دل‌های ما را سوخت، اشک چشمان ما را روان ساخت و عزیزان ما را خوار کرد و سرزمین کربلا تا روز قیامت برای ما سختی و بلا به جای گذاشت؛ پس بایستی گریه کنندگان بر مثل حسین گریه کنند و بدانید که گریستن بر حسین گناهان بزرگ را می‌ریزد و انسان را پاک می‌کند.

۱- حج، ۳۲ ۲- مصباح المنیر، ص ۳۱۵، به نقل از پاسخ به شبهات عزاداری ۳- عوائدالایام، ص ۳۱، به نقل از پاسخ به شبهات عزاداری ۴- اصول الاربعه فی ترديد الوهابيه، ص ۳۰ ۵- عوائدالایام، ص ۳۱ ۶- المیزان، ج ۱، ص ۴۱۴ ۷- دخان ۲۹ ۸. یوسف ۸۵ ۹. تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۴۹۷ ۱۰. امالی صدوق مجلس ۲۹ ص ۲۱ ۱۱. احزاب/ ۲۱ ۱۲. تذکرهٌ الخواص ص ۷ ۱۳. المستدرک، ج ۱ ص ۳۵۷ ۱۴. جامع‌الاصول، ج ۱۱ ص ۱۰۵ ۱۵. انساب الاشراف، ج ۲ ص ۲۹۸ ۱۶. السنن الکبری ج ۳ ص ۴۰۷ ۱۷. بحار، ج ۴۴ ص ۲۸۹ ۱۸. بحارالانوارٌ، ج ۴۴، ص ۲۸۵. ۱۹. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۲ ۲۰. قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص ۱۶ ۲۱. تاریخ الخلفا، ص ۲۰۷ ۲۲. الامام الحسین و اصحابه، ص ۳۳۶ ۲۳. اثبات الوصیه، ص ۱۶۷ ۲۴. مختصر تاریخ ابن عساکر، ج ۷، ص ۱۴۹ ۲۵. بحار، ج ۴۴، ص ۲۴۵ ۲۶. معالی السبطین، ج ۱، ص ۱۸۶ ۲۷. احتجاج ج ۲، ص ۵۲۹ ۲۸. بحار ج ۴۴، ص ۲۵۳

عاشورا؛ تجلی اسلام ناب(۵)

مسئولیت در برابر مردم و جامعه

سید محمد سعید مدنی

قال الحسین(ع): «انی لم اخرج‌اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی...»(بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۲۹)

بزرگداشت هرچه باشکوهتر مراسم عاشورا به شکل و صورت‌های مختلف آن، به ویژه به وسیله بر پایی مراسم مخصوص این ایام مثل عزاداری و مرثیه خوانی و نوحه سرائی و تداوم هرچه بهتر و باصلابت‌تر «عزاداری سنتی»، که ائمه اطهار(ع) و عالمان راستین دینی درباره آن توصیه‌های فراوان و سفارشات اکید کرده‌اند هر چند امری ضروری و درحد واجب است، اما مهم‌تر وحیاتی‌تر از آن این است که در بند ظواهر و صورت این مراسم نمانیم و هرکسی به سهم و توان خود و به عنوان دوستدار اباعبدالله(ع) و معتقد به شعار عمیق و پر مغز«هر روز عاشورا و هر زمین کربلا»، در راه شناخت و شناساندن ماهیت و باطن و سیرت قیام حسینی(ع)، تلاش خستگی ناپذیر و جهادگونه داشته باشیم.که رمز بقای اسلام راستین، همان اسلامی

امام حسین(ع)؛ به عنوان وارث رسالت آخرین پیامبر خدا و همه پیامبران پیش از او ، نیز؛ در برابر وضعیت فرد و جامعه احساس مسئولیت می‌کند و در برابر بدعت‌ها و انحراف هائی که به اسم دین و باشعار اسلام بر جامعه حاکم شده وظیفه الهی واصلاحی احساس می‌کند.

که در «غدیر» به دستور خداوند، به وسیله پیامبر اکرم(ص)، اعلام و کامل شد و در عاشورایی که حسین(ع) برپا کرد، تجلی یافت؛ و همچنین افشای آنچه منحرفان و گمراهان و راهزنان حقیقت وانسانیت به نام «اسلام» خواسته و می‌خواهند به مسلمانان و جهانیان معرفی کنند، همین است وبس!

عاشورا تجلی گاه اسلامی است که دغدغه مردم و جامعه را دارد در برابر سرنوشت آن احساس مسئولیت می‌کند.

امام حسین(ع)، به عنوان یک امام، نمی‌تواند نسبت به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی وفسادی که حالت تصاعدی پیدا کرده، حساسیت نداشته باشد ودر باره مردمی که به حکومت گمراه و پلیدی یزید گرفتار آمده‌اند حساسیت نداشته باشد و احساس مسئولیت نکند.

آن چنان که نهضت الهی جد بزرگوارش، رسول خدا(ص) اساسا برای نجات انسان و بالتبع جوامع انسانی برپا شده بود. اصولا فلسفه «نبوت» و بعثت انبیاء مگر چیزی غیراز نجات و هدایت انسان‌ها از گرداب جاهلیت و ضلالت و رهنمون ساختن آنها به مسیر نور و هدایت است؟

امام حسین(ع)؛ به عنوان وارث رسالت آخرین پیامبر خدا و همه پیامبران پیش از او، نیز؛ در برابر وضعیت فرد وجامعه احساس مسئولیت می‌کند ودر برابر بدعت‌ها و انحراف هائی که به اسم دین و باشعار اسلام بر جامعه حاکم شده وظیفه الهی واصلاحی احساس می‌کند.آن چنانکه پدر بزرگوار ایشان نیز به عنوان «امام» در تمام مقاطع عمرش؛ هرچه کرد و نکرد، و هرچه گفت و نگفت،فراتر از خودبینی‌ها و خود خواهی‌ها، در راه انجام همین وظیفه بود.

اسلامی که امام حسین(ع) در کربلا و جریان قیام عاشورا معرفی می‌کند از چنین خصوصیت و امتیازی برخوردار است و باهمه آنچه که هرجا به نام «اسلام» معرفی می‌شود، و با درد وداغ‌های مردم و مسلمانان کاری ندارد بیگانه است و هیچ نسبتی ندارد، تفاوت بنیادی دارد.

امام حسین(ع) در حالی قدم در راه کربلا وبرپا کردن قیام بی‌نظیر علیه یزید و بالاتر از آن فرهنگ یزیدی می‌گذارد که از لحاظ شخصی و خانوادگی کسی با او مشکلی نداش